

## علل روی آوردن علویان به مازندران

مهناز شایسته‌فر

### چکیده

تصرفِ ولایات شمالی ایران، یعنی گرگان، طبرستان و دیلم بسیار مشکل‌تر از تسخیر سایر نقاط این سرزمین بود و کوه‌های صعب‌العبور این مناطق برای ساکنان آن، حکم قلعه طبیعی مستحکمی را داشت. به علت همین شرایط جغرافیایی مساعد منطقه، ولایات ساحلی دریای خزر پناهگاهی امن برای مدعیان و مخالفان خلافت عباسی بوده است. تنها گروه مسلمانی که توانست در این ناحیه نفوذ کند سادات علوی بود که در زمان خلافت متوکل (۲۳۲-۲۴۷ ه‍.ق) و مستعین (۲۴۸-۲۵۱ ه‍.ق) به علت آزار دیدن از آن دو خلیفه، ناچار به نواحی کوهستانی طبرستان و دیلم پناه برد و سرانجام حکومت آن سامان را به دست گرفت. دولت وقت عباسی که هر ساله چندین بار به عناوین مختلف از اهالی طبرستان مالیات می‌گرفت، شورش دسته‌جمعی مردمان آن نواحی را برانگیخت و آنان تنها راه رهایی خود را از آن زندگی مذلت‌آور، همدستی و هماهنگی با علویانی که علم مخالفت و

دشمنی برضد خلفای عباسی افراشته بودند یافتند. برای رسیدن به آن هدف به یکی از نوادگان علی بن ابی طالب (علیه السلام) به نام حسن بن زید که در ری ساکن بود گرویدند و او را به طبرستان دعوت نمودند. حسن بن زید هم دعوت آنان را پذیرفت و اهالی آن دیار با او بیعت کردند. دیری نگذشت که سلسله‌ای از سادات علوی (۲۵۰-۳۱۶ هـ ق) در طبرستان تأسیس شد که مؤسس آن حسن بن زید علوی (۲۵۰-۲۷۰ هـ ق) ملقب به داعی کبیر بود. در این مقاله علاوه بر سیر تاریخی گسترش و نفوذ علویان در منطقه طبرستان یا مازندران، به تفکیک به علل و انگیزه‌های روی آوردن علویان به این منطقه نیز پرداخته می‌شود.

#### مقدمه

مازندران از شمال به دریای خزر و ترکستان، از جنوب به سمنان، از مشرق به خراسان و از مغرب به گیلان محدود است. کوه‌های البرز، رطوبت دریای خزر را در دامنه شمالی خود متوقف ساخته و موجب فراوانی بارندگی در این ناحیه شده است. نام سرزمین مازندران در مأخذ و منابع اسلامی طبرستان آمده است.

دیلم یا دیلمان یکی از ولایات بسیار قدیم ایران است که حتی نویسندگان یونانی در آثار خود از آن نام برده‌اند. دیلم عبارت بود از منطقه‌ای کوهستانی که از شمال به گیلان، از مشرق به طبرستان و از مغرب به رودبار و آذربایجان و از جنوب به قزوین محدود می‌شد.<sup>۱</sup> اهالی دیلم از دوره‌های قبل از اسلام

۱. رابینو، یاسنت لویی. ۱۳۴۳ هـ ش. سفرنامه مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۱۹؛ طبری، محمدبن جریر. ۱۳۴۶ هـ ش. تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ج ۳. ص ۲۲۹۲.

در شجاعت و دلیری معروف بوده‌اند. این منطقه تا اواسط قرن دوم هجری قمری، استقلال محلی خود را در مقابل مسلمانان حفظ کرد و مدت‌ها از آیین پدران خود، یعنی کیش زردشتی، پیروی نمود. در این نقاط، نوشته‌ی روی مسکوکات نیز به زبان پهلوی ضرب می‌شد و نه به زبان عربی<sup>۱</sup> و حتی آل قارن - به عنوان یکی از هفت خانواده قدیم ایرانی که در طبرستان حکومت داشتند - تاریخ و تقویم خود را از زمان درگذشت یزدگرد حساب می‌کردند. پس از آنکه حملات اولیه مسلمین مثمرتر نشد در سال ۵۰ هجری یزید بن مهلب به فرمان سلیمان خلیفه وقت به طبرستان حمله برد و سرانجام در زمان خلافت منصور (۱۳۶-۱۵۸ هجری) بود که حکمرانان عرب، این سرزمین را قریب مدت بیست و پنج سال اداره کردند که علت آن را تا حدی باید انقراض سلسله اسپهبدان آن ناحیه دانست.<sup>۲</sup> در زمان خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ هجری) پس از اینکه او امام رضا (علیه السلام) را به ولایت عهدی خود برگزید برادران و بستگان و ارادتمندان آن حضرت رهسپار ایران شدند. بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) آنان برای فرار از دست مأموران خلیفه به نواحی کوهستانی طبرستان و دیلم پناه بردند و از طرف دیگر به سبب بدرفتاری متوکل، خلیفه عباسی، با آل علی، عده زیادی از آنها نیز به نواحی مختلف ایران از جمله طبرستان گریختند و در این نقاط به دعوت مردم علیه خلفای عباسی پرداختند. دیری نگذشت که سلسله‌ای از سادات علوی در مازندران و گیلان تأسیس شد و مؤسس آن حسن بن زید علوی ملقب به داعی کبیر بود. وی با طاهریان و صفاریان که همگی ضد علویان بودند جنگید و طبرستان در قرون چهارم و پنجم در

۱. بیات، عزیزالله. ۱۳۵۶ ه.ش. تاریخ ایران، از ظهور اسلام تا دیالمه. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران. ص ۱۱۵. ۲. همان‌جا.

میان کشمکش سلسله‌هایی چون آل زیار و آل بویه از یک طرف، و سامانیان و غزنویان از طرف دیگر بود. غزنویان و سلجوقیان به این منطقه لطمات زیادی وارد آوردند. در زمان تیموریان، طبرستان زیر قلمرو متصرفات تیمور درآمد و در زمان شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ هـ.ق) سادات مرعشی (سلسله‌ای از سادات که نسبت خود را به سیدعلی مرعشی، نواده امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) می‌رساندند) به عنوان امیران تاجگذار در این نواحی سلطنت کردند و بالاخره در زمان شاه عباس اول بود که به طور کلی قدرت سادات مرعشی و بازماندگانش از بین رفت.<sup>۱</sup> بررسی علل گسترش و حضور علویان را در طبرستان باید با دقت بیش‌تر مورد توجه و بررسی قرار داد که در بخش بعدی به تفسیر آن خواهیم پرداخت.

#### علل گسترش و نفوذ علویان در طبرستان (مازندران)

درک این نکته که علل نفوذ علویان و اصولاً شیعیان در میان سایر گروه‌های مذهبی و مردم چه بوده است می‌تواند در فهم علت‌های گسترش تشیع به ما کمک کند و این از آن‌رو است که علویان، تقریباً، مبلغان حرکت شیعه بوده‌اند. گرچه تشیع مراتب فوق مختلف زیدی، امامی و غیره داشته است اما در حقیقت پایه اول تشیع همان دوستی اهل بیت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که در میان همه آنها مشترک است و اگر در این دوستی در مسیر منطقی خود سیر کند تا حد ولایت و اطاعت پیش خواهد رفت و حتی گاهی به افراط نیز کشیده خواهد شد و به حد اعتقاد غلوآمیز غلات در باره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) می‌رسد.<sup>۲</sup> در اینجا در

۱. بیات، عزیزالله. ۱۳۶۷ ه.ش. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران. تهران: امیرکبیر. ص ۲۹۳.

۲. جعفریان، رسول. ۱۳۶۹ ه.ش. تاریخ تشیع در ایران. تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی. ص ۳۴.

خصوص علل نفوذ علویان، به نکته‌های بیش‌تری توجه می‌کنیم. از جمله علل و عوامل، تدین علویان است. آنها و دوستانشان در انجام دادن فرایض دینی، تقیّد حساب‌شده‌ای داشتند و دقیقاً اسلام را با عمل خود به مردم معرفی می‌کردند و از این‌رو مردم براحتی تشخیص می‌دادند که شیعه، گرایش دینی بسیار قوی دارد و مقید به رعایت موازین است. مردم وقتی با توجه به مخالفت آنها با بنی‌امیه‌گردشان جمع می‌شدند، تازه فضایل آنان را درک می‌کردند و از این‌رو پیوند سیاسی آنها شکل مخصوص اعتقادی و در نتیجه پیوستگی عمیقی پیدا می‌کرد. در صورتی که خوارج علی‌رغم آنچه در تدینشان گفته شد، حالت متعادل نداشتند و روشن بود که تقوای آنها، جهت اسلامی ندارد. برخوردهای تندروانه و وحشیانه آنها مردم را بشدت می‌آزرد اما تعادل شیعه و تقوای علمی و عملی ایشان مردم را جذب می‌کرد و در رأس شیعه، علویان بودند که آن خصایص را داشتند.<sup>۱</sup> سفیان ثوری می‌گوید: «هل ادرکت غیر الناس الا الشیعه؟» (آیا بهترین مردم را به جز شیعه دیده‌ای؟)<sup>۲</sup>

یکی دیگر از دلایل عمده نفوذ تشیع در همه بلاد اسلامی، از جمله ایران، همین محبوبیت علویان است. دلیل این محبوبیت هم عمدتاً فضایل خاصی است که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در باره اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است. بخش دیگر آن نیز معلول سجایای اخلاقی، علمی و سیاسی خود آنها است. عشق و علاقه طبیعی مردم را به خاندان پیامبر(ص) نیز نباید از نظر دور داشت. این علت در تمام قرون، عامل نفوذ تشیع بوده است و حتی در مناطق سُنی‌نشین که علویان حضور داشتند پس

۱. همان، صص ۳۴-۳۵.

۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. ۱۹۶۵ م. مقاتل الطالبین. نجف: مطبعة حیدریه. ص ۱۹۵.

از مرگ یا شهادت آنها، بقعه‌هایی بر مزارشان ساخته شده؛ و به این ترتیب بذر تشیع و حُب اهل بیت (علیهم‌السلام) در این نقاط کاشته شده است. اهمیتی که اهل سنت برای اهل بیت قائل‌اند بسیار زیاد است که نمونه‌های جالبی را شبلنجی نقل کرده است و به عقیده او اصطلاح «شریف» در میان آنها به همان معنای سید بود و برای چنین شخصی فوق‌العاده احترام قائل بودند.<sup>۱</sup> یکی دیگر از دلایل عمده نفوذ علویان در میان مردم، مظلومیتی بود که آنها داشتند. علویان اضافه بر آنکه اهل بیت پیامبر بودند و طبعاً همه مسلمین به ایشان عشق می‌ورزیدند و خواستار زیارت آنان بودند، در پی فشارها و ظلم‌هایی که در حق آنها اعمال می‌گردید مظهر مظلومیت شدند و مردم که این ظلم را می‌دیدند، نسبت به آنها متمایل می‌شدند - بخصوص که مقاومت اینان را نیز مشاهده می‌کردند. قیام‌های علویون که بعد از زیدبن علی عمدتاً جنبه شیعه‌زیادی داشت در قرون اولیه به‌طور مستمر رواج یافت و در سرزمین‌های اسلامی، از جمله حجاز، عراق و ایران، نمونه آن قیام‌ها فراوان است. یعقوبی با اشاره به حرکت زیدبن علی می‌گوید از آن پس در مناطقی چون خراسان تشیع شایع گشت و تبلیغات علیه بنی‌امیه رواج یافت.<sup>۲</sup> قلمرو

رسال جامع علوم انسانی

۱. شبلنجی، مؤمن. بی‌تا، نور الابصار. مصر: مطبعة الیوسفیه. صص ۱۱۷-۱۱۸. در اینجا لازم است نکته‌ای پراهمیت را ذکر کنیم و آن اینکه منشأ این احترام، روایاتی است که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در باب فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده و در آنها سعی شده است تا مردم، ولایت و محبت اینها را بپذیرند؛ به طوری که حتی در روایت ثقلین نیز تصریح شده است که اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از دو رکن دین‌اند. ولی با این حال متأسفانه اهل سنت فقط آنها را دوست دارند و گمان می‌کنند صرف دوستی کافی است. در حالی که تکیه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز همچون قرآن بر «موده ذوی القربی»، یعنی دوستی خویشاوندان آن حضرت برای ارجاع دادن به آنها است اما به هر صورت همین محبت پایه و اساس تشیع بوده و به همین دلیل موجب آن گردیده است تا انسان‌های عاقل بتدریج اقوال عترت را بر اقوال دیگران مقدم بشمارند.

۲. یعقوبی، احمدبن اسحاق. بی‌تا، تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر. ج ۲. ص ۳۲۶.

این مظلومیت به اندازه‌ای بود که بنی عباس توان اصلی خود را از آن مایه گرفتند و حکومت خود را بر پایه اشکی که بر شهادت مظلومانه یحیی بن زید ریخته شد برپا کردند.<sup>۱</sup>

این مظلومیت از همان زمان بنی امیه شروع گردید و بتدریج رو به گسترش نهاد. بنی امیه نه تنها نسبت به علویان، بلکه در حق تمام شیعیان فشارهای سختی اعمال می‌کردند ولی شیعیان نیز در مقابل آنان پایداری می‌کردند نشان می‌دادند. دکتر شبیبی درباره مظلومیت شیعه در تاریخ می‌نویسد: تاریخ شیعه پس از حادثه کربلا یک سلسله عذاب‌ها و فشارها است که به صورت دائمی بر شیعیان تحمیل می‌شود و واقعیت این است که حادثه کربلا خود ریشه این مظلومیت بود.<sup>۲</sup>

بنابراین یکی از دلایل واضح نفوذ تشیع در قلوب مردم، صرف نظر از تقوای آنها، مظلومیتشان بود؛ به طوری که تنها حادثه زید و فرزندش یحیی، توانست خراسان را یکپارچه به سمت بنی هاشم سوق دهد. اما متأسفانه حرکت ابو مسلم که داعی بنی عباس بود جریان را منحرف کرد و نگذاشت که خلافت به دست صاحبان اصلی و واقعی آن، یعنی علویان برسد.

جهت‌گیری مثبت و اسلامی نهضت‌های شیعی، با وجود جنبه‌های اعتدالی، توانست عاملی برای جذب توده‌های مردم باشد. اما اولین نکته‌ای که در این نهضت‌ها به چشم می‌خورد این بود که شیعه، هم در اعتقاد و هم در عمل، حرکتی برضد ظلم و طغیان خلفا داشت.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از عوامل نفوذ تشیع در طبرستان را می‌توان مهاجرت ایرانیان

۱. جعفریان، رسول، همان، ص ۳۸.

۲. شبیبی، کامل مصطفی، بی تا، الصلة بين التشيع و التصوف، مصر: دار المعارف، ص ۹۶.

۳. برای اطلاعات بیشتر، جعفری، سیدحسین محمد، ۱۳۶۴ ه.ش. تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

طالب علم و دانش مذهبی، در اواخر قرن اول و بیش‌تر در قرن دوم هجری قمری به کوفه دانست. کوفه که مرکز تشیع بود توانست این عقاید شیعی را در میان ایرانیان مهاجر منتشر کند؛ چرا که طبعاً تعداد زیادی از آنها در بازگشت، اعتقادات شیعی به همراه داشتند و عامل گسترش و توسعه شیعه محسوب می‌شدند.<sup>۱</sup> بنابراین یکی از دلایل عمده نفوذ تشیع در ایران ورود همین افراد بوده است.

### مهاجرت سادات علوی به ایران و گسترش تشیع

از دلایل عمده نفوذ تشیع در ایران و بالاخص منطقه طبرستان یا مازندران را می‌توان ورود سادات علوی به منطقه دانست. این افراد عمدتاً شیعه بودند؛ گرچه گاهی در میان آنها، افرادی که حتی ناصبی بودند پیدا می‌شده است.<sup>۲</sup> ناگفته نماند شیعیان‌شان نیز، همگی اثنی‌عشری نبوده و بلکه بسیاری از آنها شیعه زیدی بود و معمولاً کسانی از ایشان که محور قیام‌های ضد عباسی بوده‌اند، شیعه زیدی شمرده می‌شدند. این به آن دلیل بود که آنان به تقیه اعتقادی نداشته و قیام با سیف<sup>۳</sup> را دلیل تشخیص امامت زیدی می‌دانستند. دلایل ورود آنها به ایران را می‌توان در سه نکته خلاصه کرد: ۱. امنیتی که در مناطق ایران وجود داشت، یکی از عمده‌ترین دلایل این مهاجرت‌ها است؛ ۲. ایران دور از دسترس حکومت‌هایی بود که مرکز آنها در شام و یا عراق قرار داشت. فشارهای عباسیان و قبل از آنها، امویان باعث گردید تا

۱. جعفریان، رسول، همان، ص ۴۴.

۲. برای اطلاعات بیش‌تر، ← ابن‌عنه، احمد بن علی. ۱۹۶۱ م. عمده الطالب. نجف: مطبعة حیدریه. صص ۷۱، ۲۰۰، ۲۵۳.

۳. ابن‌اعتقاد، به زید بن علی نسبت داده شده است. ظاهراً و علی‌الیقین، زید به امامت برادر خویش اعتقاد داشت و مذهب زیدی چیزی است که ارتباطی با خود او ندارد. برای اطلاعات بیش‌تر، ← جعفریان، رسول، ص ۱۵۹.



آنان بدین مناطق مهاجرت کنند. از میان علویان نیز کسانی که در قیام‌هایی چون قیام زید و محمد بن عبداللّه، ابراهیم بن عبداللّه و حسین بن علی شرکت کرده بودند، احساس خطر بیش‌تری می‌کردند؛<sup>۱</sup> ۳. دلیل دیگر مهاجرت‌ها، همان بود که سایر اعراب را به این مناطق جذب می‌کرد؛ یعنی رفاهی را که این شهرها می‌توانست دربر داشته باشد، برای عده‌ای از آنها قابل توجه بود و اضافه بر این، آنها خود را محبوب این سامان می‌دیدند. مردم نیز به دلیل اینکه آنان فرزندان رسول اللّه (صلی اللّه علیه وآله وسلم) بودند بدانها احترام می‌گذاشتند و در این میان، شهرهای شیعه‌نشین اهمیت بیش‌تری داشته است.<sup>۲</sup> در اینجا همچنین باید خاطر نشان ساخت که این مهاجرت‌ها، بیش‌تر از قرن دوم هجری قمری به بعد بوده است؛ یعنی بعد از آنکه یحیی بن زید به ایران آمد، راه مهاجرت گشوده شد و پس از آن مهاجرت‌ها رو به گسترش نهاد.

یکی از اهداف عمده این مهاجرت‌ها، جذب نیرو برای قیام بوده است. مردم ایران که یک‌بار به هنگام روی کار آمدن عباسیان علاقه خود را برای تغییر حاکمیت عرب‌ها نشان داده بودند، این تصور را برای علویان ایجاد نمودند که آنها می‌توانند برای راه‌اندازی قیامی برضد عباسیان از مردم ایران استفاده نمایند. از دیگر دلایل مهاجرت سادات، تشریف‌فرمایی حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به ایران بود که به دنبال ایشان گروه‌هایی از سادات نیز راهی ایران شدند. تسامح مأمون در مقابل سخت‌گیری پدرش رشید، نسبت به سادات، در رشد و سربلندی علویان تأثیر به‌سزایی داشت. مرعشی می‌نویسد: «... سادات از آوازه ولایت و

۱. جعفریان، رسول، همان، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بی‌تا، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۵.

عهدنامه مأمون که به حضرت امام پناهی داده بود، روی بدین طرف نهادند.<sup>۱</sup> آمدن حضرت معصومه (علیها السلام) به ایران نیز از جمله مهاجرت‌هایی بوده که همزمان با آمدن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به ایران صورت گرفته است.<sup>۲</sup>

با این حال سیاست مأمون نسبت به این افراد، که به هر حال تهدیدی برای حکومت عباسیان به‌شمار می‌آمدند تغییر یافت و چون سادات، خبر حيله و غدر مأمون را با حضرت رضا (علیه السلام) شنیدند به کوهستان‌های دیلمستان و طبرستان پناه بردند و بدانجا شهید گشتند و مزار و مرقد ایشان مشهور و معروف گشت و چون اسفهبان مازندران، در اوایل که اسلام قبول کردند، شیعه گشتند و به اولاد رسول (علیهم السلام) حُسن اعتقاد داشتند، سادات در این منطقه امنیت بیش‌تر و راحت‌تری داشتند.<sup>۳</sup> بعدها با گسترش و پیدایش قیام‌های شیعی در مازندران و گیلان، این مهاجرت‌ها گسترده شد.

ناگفته نماند این افراد که اصولاً برای آنها پس از شهادتشان مقبره‌هایی ساخته شده بود، جزو شخصیت‌های مهم علوی بوده‌اند و لذا محبوبیت آنها به این اندازه بود که از همان زمان شهادت چنین احترامی را برای آنها قائل شوند و قبورشان از دید دیگران مخفی نماند و چون این افراد عموماً شیعه بوده‌اند به احتمال بسیار قوی چنین تأثیری را به اطرافیان خود نیز منتقل می‌کردند. شهرت یافتن مقابر این سادات همچنین می‌تواند نشانه نفوذ اهل بیت (علیهم السلام) در همان دوران‌های اولیه اسلام در این منطقه باشد.

۱. مرعشی، سیدظهورالدین. ۱۳۶۳ ه.ش. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به اهتمام برنهارد دارن. تهران: گستره. صص ۲۷۷-۲۸۷.

۲. کریمان، حسین. ۱۳۵۶ ه.ش. قصران. تهران: انجمن آثار ملی. ج ۱. ص ۱۷۲.

۳. مرعشی، سیدظهورالدین، همان، صص ۲۷۷-۲۷۸.

## نتیجه گیری

تعداد هفتادوشش نفر از سادات علوی ساکن طبرستان، در کتب تواریخ نام برده شده‌اند<sup>۱</sup> و باید خاطر نشان ساخت موضوع مهاجرت و حضور علویان در این منطقه که تا قرن پنجم هجری قمری ادامه یافت دو نکته را نشان می‌دهد که یکی وجود تعداد چشمگیر علویان در طبرستان؛ و دیگری توجه خاص دیلمیان به آن افراد بود. به احتمال قوی یکی از علل عمده این وحدت، وجود دشمن مشترک یا همان عباسیان بوده است. پناه آوردن علویان نیز به این منطقه، به دلیل آن بود که سپاهیان عباسی بسادگی نمی‌توانستند به آن منطقه نفوذ کنند.

دولت علویان طبرستان، اولین حکومتی است که در شرق جهان اسلام و به دور از تأیید بنی‌عباس تشکیل می‌شود. با گذشت سال‌ها، ده‌ها قیام را علویان در این منطقه و در مناطق دیگر تحت نفوذ خود برپا نموده و امثال طبری و ابن اثیر آنها را ثبت کرده‌اند.<sup>۲</sup> خلفای عباسی ریشه این حرکات را در طبرستان می‌دیدند، بخصوص که دولت علویان، هیچ رسمیتی برای بغداد قائل نبود و این می‌توانست زنگ خطری برای پیدایش دیگر دولت‌های مستقل باشد. از جمله قیام‌ها می‌توان به قیام حسن بن زید اشاره نمود که بعضی او را از سادات و علمای شیعی دانسته و از ولات امامیه به حساب آورده‌اند.<sup>۳</sup> بنیاد فقهی و عقاید شیعی در طبرستان، با تألیفات خود حسن بن

۱. نخجوانی. ۱۳۵۷ ه.ش. تجارب السلف. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری. ص ۱۶۰.  
 ۲. قابل ذکر است که این قیام‌ها تنها در محدوده ایران و عراق نبود بلکه در مصر، حجاز و شمال آفریقا نیز با وسعت ادامه داشت. از این رو نمی‌توان حرکت شیعی را با تفکر ایرانی هماهنگ دانست؛ چراکه در این صورت اشکالی آن این خواهد بود که بیش از هفتاد درصد این قیام‌ها در مناطق عراق، حجاز، شمال آفریقا و یمن به وقوع پیوست و تنها قسمت کوچکی از آنها در ایران بوده است.  
 ۳. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، بی‌تا، ریاض العلماء. تحقیق سیداحمد الحسینی. قم: مکتبه آیت‌الله نجفی مرعشی. ج ۱. ص ۱۸۸.

زید قوی تر شد. ابن ندیم چند کتاب از جمله الجامع فی الفقه، کتاب البیان و کتاب الحجة فی الامامة را به او نسبت داده است.<sup>۱</sup> قاضی نورالله درباره طبرستان می نویسد:<sup>۲</sup>

... و اکثر اهالی بلاد طبرستان شیعه بوده‌اند و در بعضی از بلاد آنجا، مانند آمل، هرگز سُنی نبوده.

یکی از بهترین ثمرات حرکت علویان، انتشار اسلام در این منطقه بوده است و ساختن مساجد زیاد در منطقه نیز نه تنها به این هدف کمک کرد بلکه گواه انتشار اسلام هم بود.

### کتابنامه

- ابن عنبه، احمد بن علی. ۱۹۶۱ م. عمدة الطالب. نجف: مطبعة حیدریه.
- ابن ندیم، محمد بن اسحق. بی تا، الفهرست. تهران: مروی.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. ۱۳۷۷ ه.ش. آثار الباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. ۱۹۶۵ م. مقاتل الطالبین. نجف: مطبعة حیدریه.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ. بی تا. ریاض العلماء. تحقیق سیداحمد الحسینی. قم: مکتبه آیه الله نجفی مرعشی.
- بیات، عزیزالله. ۱۳۶۷ ه.ش. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران. تهران: امیرکبیر.
- هم او. ۱۳۵۶ ه.ش. تاریخ ایران، از ظهور اسلام تا دیالمه. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- جعفری، سیدحسین محمد. ۱۳۶۴ ه.ش. تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه سیدمحمدتقی آیت اللهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحق. بی تا، الفهرست. تهران: مروی. ص ۲۲۴.

۲. شوشتری، نورالله. بی تا. مجالس المؤمنین. تهران: اسلامیه. ج ۱. ص ۹۸.

- جعفریان، رسول. ۱۳۶۹ ه.ش. تاریخ تشیع در ایران. تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- حقیقت، عبدالرفیع. ۱۳۶۳ ش. تاریخ نهضت‌های ملی ایران. تهران: آفتاب حقیقت.
- رابینو، یاسنت لویی. ۱۳۴۳ ه.ش. سفرنامه مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شبلنجی، مؤمن. بی تا. نور الابصار. مصر: مطبعة الیوسفیة.
- شوشتری، نورالله‌بن شریف‌الدین. بی تا. مجالس المؤمنین. تهران: اسلامیه.
- شیبیبی، کامل مصطفی. بی تا. الصلة بین التشیع و التصوف. مصر: دار المعارف.
- طبری، محمدبن جریر. ۱۳۶۴ ه.ش. تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- کریمان، حسین. ۱۳۵۶ ه.ش. قصران. تهران: انجمن آثار ملی.
- گدار، آندره، یدا گدار [و دیگران]. ۱۳۷۵ ش، آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لسترنج، گی. ۱۳۷۷ ه.ش. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بی تا. بحار الانوار. ج ۵.
- مرعشی، سیدظهیرالدین. ۱۳۶۳ ه.ش. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به اهتمام برنهارد دارن. تهران: گستره.
- نخجوانی. ۱۳۵۷ ه.ش. تجارب السلف. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: طهوری.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق. بی تا. تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.



پڙهه ڪاھ علوم انساني و مطالعات فرھنگي  
پرتال جامع علوم انساني